

**پیرامون عواقب کودتا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲**

جناب محترم خالدی صاحب، اول سلام تقدیم میدارم ثانیاً به اجازه شما محترم می‌خواهم چند عرایض کوتا خود را به ارتباط نوشته تان تحت عنوان ( عواقب کودتا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ ) که بتاريخ ۲۰/۷/۲۰۱۸ در ویب سایت ملی و وزین افغان – جرمن آنلاين و ویب سایت سلطنت طلبان اقبال نشر یافته بحضور شما و خوانندگان گرامی تقدیم نمایم. من کوشش میکنم که در این نوشته خود احترام تانرا نگاه دارم و اگر جزوی ترین بی احترامی را ببینم باز من هم مجبوراً بلمثل جواب خواهیم نوشت.

جناب محترم خالدی صاحب. علما علوم اجتماعی تاریخ را چنین تعریف نموده می‌گوید . « **تاریخ عبارت است از داستان ارتقا بشر از یک مرحله به مرحله دیگر.**» پس به اساس این تعریف بشر و جوامع بشری در حال تغیر است ، در ان جوامع بشری که در انها تمدن بشری دیده شده حتماً در ان جوامع تحولات و نو سانات نیز به ملاحظه رسیده . انسانها و جوامع بشری همیشه تحول پذیر است، پس تحول ۲۶ سرطان نیز جز تاریخ است که مولود شرایط عینی و ذهنی وخت خود یعنی دوران قبل از ۲۶ سرطان است.

اینکه شما بزرگوار میفرمایید که هفت ثور مولود کودتا ۲۶ سرطان است، پس ۲۶ سرطان را مولود کدام وقت و زمان میدانید ؟ دوران نادرخان، غازی امان الله خان، امیر عبدالرحمن خان و یا دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی یا واضح بگویم دوره انارشی دهه به اصطلاح دیموکراسی خبیثه ، اگر شما بزرگوار از ان حقیقت چشم پوشی کنید و بگوید که نی ۲۶ سرطان مولود دهه نام نهاد به اصطلاح دیموکراسی نیست پس باید بحال شما تاسف نمود، ولی متیقن هستم که جواب شما بلی است. اگر بلی باشد پس لطفاً گپ سنجیده زن ای دوست محترم.

جناب محترم خالدی صاحب ، حالا اجازه دهید تا من هم بحیث یک شاهد عینی دوران دهه دیموکراسی و جمهوریت داودخان بالای نوشته شما یک تبصره کوچک داشته باشم.

امروز در افغانستان طرفداران سه نوع جریانهای مختلف العقیده استین های خود را بخاطر کم جلوه دادن شهید والامقام سردار محمد داود خان بر زده، گروه اول اعضای حزب خلق و پرچم ، گروه دوم اخوانی ها و گروه سوم ان عده افراد و اشخاص که به اعلان نظام جمهوری امتیازات شخصی و فامیلی خود را از دست دادند، که نمونه اینگونه اشخاص اکثره نویسندگان ویب سایت اریانا افغانستان هستند که حاجت به معرفی نام انها نیست. افراد و اشخاص این سه گروه متذکره در طول چهل پنج سال گذشته امتحان خود را دادند که نمی خواهیم به اعمال گذاشته انها زیادتیر تبصره نمایم. گویند چیزی که عیان است چی حاجت به بیان است.

جناب محترم آقای نور خالدی: شما در ماه می سال جاری از کشور استرالیا به شهر ویرجینیا امریکا تشریف آوردید، شما در وقت اقامت تان در ویرجینیا از یک دوست تان بنام ..... نمره تلفون جناب آقای فروع سابق معین وزارت پلان طلب شده بودید ان دوست شما که برای من حیثیت برادر دارد بمن تلفون کرد و از من نمره تلفون آقای فروع که شما خواسته بودید گرفت، حتی من به ان دوست شما عرض نمودم اگر لطف نماید یک چاشت جناب خالدی را بخاطر اینکه دوست شما است مهمان من شود خوش میشوم که ان دوست شما از من تشکری کرد، بهر صورت.

برادر محترم آقای خالدی صاحب. جار پنج ماه قبل من راجع به یک موضوع سفر آقای حامد کرزی به یکی از کشورهای اروپایی که ان سفر وی بخاطر جمع اوری کمک های بین المللی به افغانستان بود راجع به ماستر شهر کابل که جز پلان هفت ساله دوران ریاست جمهوری شهید داودخان بود یک نوشته کوچک در دریچه نظر سنجی نوشته بودم شما بدون انکه به اصل مطلب من توجه کنید غیر مترقبه بشکل بسیار زشت و امرانه نوشتید که غلام سخی نورزاد شاروال سابق زمان مرحوم داودخان در ان پلان هفت ساله جمهوریت هیچ نقش نداشت، در ان نوشته صرف گناه من این بود که من باید واضح می نویستم که ماستر پلان شهری شهر کابل که جز پلان هفت ساله دوران طلایی اولین جمهوریت بود باید ذکر میکردم که نه کرده بودم و شما در جواب ان نوشته من فقط بخاطر اینکه شما خود را بما معرفی نماید به یک لهجه تند نوشتید که من هم متقابلاً در نوشته خود بشما چیزی که میخواستم نویستم، ان هر دو نظر مایان در دریچه نظر سنجی موجود است.

جناب بزرگوار آقای خالدی. شما در نوشته مورخ ۲۰/۷/۱۸۰۱۲۰ که در بخش تحلیل های این وب سایت موجود است شما متذکر گردیده و چنین وانمود ساختید، که شما بخش اقتصادی بیانیه افتتاحیه شهید سردار محمد داودخان را در مراسم لویه جرگه قانون اساسی سال ۱۳۵۵ جمهوری نوشته اید. جناب محترم وقتیکه من ان نوشته شما را خواندم تعجب کردم که چطور یک شخص تعلیم یافته به این اندازه سقوط شخصیت و دیده دارایی کند. من بعد از خواندن ان مقاله تان بجناب آقای فروع تلفونی صحبت نمودم و طلب حقایق شدم، جناب آقای فروع تصریح نمود و علاوه کرد:

که وزارت پلان انوقت بغیر از ارایه ارقام پلان اقتصادی هفت ساله جمهوری یک کلمه در باره سیاست اقتصادی ان دوران نه نوشته وی همچنان فرمود، که طرح سیاست اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کار یک مامور پایین رتبه وزارت پلان دولت نیست بلکه طرح سیاست اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دولت کار شورا وزیران و ریس جمهور است. آقای خالدی بخاطر این درفشانی تان میخواهم توجه شما را به این مطلب جلب نمایم ان اینکه: سیاست اقتصادی دوران جمهوری شهید محمد داودخان همان سیاست اقتصادی دوران صدارت وی بود، که در ان دوران شما شاید بیش از یک متعلم مکتب چیزی دیگری نه بوده باشید، لطفاً گپ که میزنید و یا چیزیکه مینویسید سنجیده بگوئید و سنجیده بنویسید، نه اینکه خود را به خوانندگان وب سایت ها اتم بیگ معرفی نماید. جناب آقای نور خالدی. من از شما بزرگوار به میلیون مرتبه سپاس گذارم که شما مخالف نظر همنظران درباری خود هستید. چرا که تا امروز اکثر درباریان سلطنت و شاه پرستان باغیرت، کودتا و یا تحول ۲۶ سرطان را مولود دست درازی کشور همسایه افغانستان اتحاد جماهیر شوروی وانمود میساخت، من به این نظر واقع بینانه تان احسنت میگویم. توجه نماید به نوشته تان که در مقاله تان تحت عنوان عواقب کودتا ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ که بتاريخ ۲۰/۷/۱۸۰۲۰ در دو وب سایت به نشر رسیده سپاس گذاری مینمایم. شما در ان مقاله تان مینویسید:

« اما به عنوان یک مبصر و محقق سیاسی و تاریخی وظیفه خود میدانم تا آنچه را عواقب فاجعه بار کودتای داوودخان، که نقطه چرخش سیاسی در تاریخ افغانستان است، برای ثبت تاریخ و رهنمایی هموطنان در درک بدون تعصب، و غرض وقایع سیاسی و تاریخی ابراز نمایم. مسئولیت پلانگذاری و اجرای این کودتا مربوط به شخص داوود خان است نه کدام کشور خارجی. »

برادر محترم حالا به عرایض چندی هموطن تان توجه فرماید، شما مینویسید. « بیایید نتایج و عواقب این کودتا را بطور خلاصه جمعبندی کنیم: در نتیجه این کودتا نظام شاهی بزور تفنگ توسط افسران وابسته به حزب دموکراتیک خلق و هواخواهان آنها - ۱ به همکاری افراد بسیار نزدیک به داوود خان با پلانگذاری و قومانده شخص داوود خان ساقط شد و بدینصورت عمل ناپسند کودتای نظامی در کشور رواج یافت؛ »

**جواب ۱ -** بلی برادر تمام کودتاها به زور برچه و تفنگ اجرا میگردد نه به جان و قربان، این که شما میگوید که کودتا ۲۶ سرطان توسط هواخواهان حزب دیموکراتیک به وقوع پیوسته دور از حقیقت است و این گونه تبلیغات صرف از افراد عقده پی که منافع خود را با پیروزی تحول ۲۶ سرطان از دست داده اند، است. در شب کودتا ۲۶ سرطان نه غلام حیدر رسولی، نه سید عبدالاله، نه قدیر نورستانی، نه غوث الدین فایق، نه پاچا گل وفادار و نه داکتر محمد حسن شرق عضویت حزب دیموکراتیک خلق را داشتند. پاچا گل وفادار بخاطر داشتن خانم خارجی از وظیفه وزارت کنار زده شد و جناب داکتر صاحب محمد حسن شرق بخاطر بعضی از دوستان شخصی حزب پرچم از وظیفه معاونیت اول صدارت به حیث سفیر به کشور جاپان فرستاده شد. این افراد فوق الذکر سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان بودند، تنها فیض محمد وزیری که وی عضو مخفی حزب پرچم بوده، بود در زمان سلطنت هیچ افسر نمی توانست علنی عضو حزب باشد بهمین خاطر نه داوودخان و نه دیگر سرگروپها تحول ۲۶ سرطان از عضویت وی در حزب پرچم واقف نبودند. یک عده افراد کودتا چی ۲۶ سرطان بعد از تحول ۲۶ سرطان عضویت حزب پرچم و خلق را کسب نمودند، عبدالحمید محتاط عضو حزب گروه کار ستم ملی بود که بعدها به حزب دیموکراتیک خلق جذب شده، عبدالقادر و ضیا مجید نیز بعد از تحول ۲۶ سرطان به حزب دیموکراتیک جذب شده بودند. پس به این تشریح مختصر این ادعا شما که تمام سرگروپ های تحول ۲۶ سرطان اعضای حزب دیموکراتیک بودند یک ادعا پوچ و میان تهی است.

جناب محترم خالدی صاحب، محمد خان جلالر وزیر مالیه، داکتر نعمت الله پژواک وزیر داخله وزیران با قدرت دوران صدارت مرحوم شهید محمد موسی شفیق و نظام سلطنتی بودند، جیلانی باختری در زمان سلطنت ریس احصایه بود، فیض محمد وزیری، ضیا مجید، نبی عظیمی، صاحب جان خان، حبیب الله زرمتمی ووو صاحب منصبان بسیار معتمد مقام سلطنت بخصوص جنرال سردار عبدالولی بودند که جنرال عبدالولی آنها را فرزندان خطاب می نمودند، تا زمانیکه آنها از سلطنت دفاع میکردند افراد خوب و مسلمان بودند ولی وقتیکه آنها نظام سلطنت را سرنگون کردند آنها افراد بد شدند. افسوس به این قضاوت شما.

دوم . شما مینویسی: « ۲ - نظام شاهی مشروطه پارلمانی متکی به قانون اساسی و دموکراسی ساقط شد و بجای آن یک رژیم دیکتاتوری یکنفره متکی بر فرمان رییس دولت کودتا در کشور حاکم شد و نام آنرا جمهوری گذاشتند؛ »

**جواب ۲-** خالدی صاحب بزرگوار، شخصیکه صدراعظم را انتخاب کند، شخصیکه در تقرر وزیران نقش اول داشته باشد، شخصیکه انتخاب ریس قوه قضایه را داشته باشد، شخصیکه قانون احزاب را توشیح نکند و انرا در جعبه میز نگاه دارد، ایا این گونه فرد را شما یک فرد یکه تاز کشور نمی دانید، جای بسا افسوس است که یک شخص تعلیم یافته ، دوره ده ساله هرج و مرج که یکی از صدراعظمان ان دوره به جهر می گفت: **که سلطنت صدراعظم را کار ندارد بلکه یک پیش خدمت را کار دارد** ، ایا این به این معنی نیست که صدراعظم در مقابل شاه حیثیت و ارزش دو توت را نداشت، صدراعظمی که پاهای شاه را ببوسد، ایا میوان این دوره را بنام دیموکراسی یاد کرد. ایا فراموش کردید وقتیکه عبدالستار شالیزی وزیر داخله از دست و کلا شورای ملی که در انوقت شورا ملی صرف حیثیت یک ماشین داد و ستد را بخود اختیار نموده بود از دست ان وکلا شورا وزارت داخله را رها و به شورا ملی رفت و به وکلای ان دوره گفت که شما بوزارت داخله بروید هر کدام شما در انجا میتوانید به حیث وزیر داخله امر و نهی صادر کنید من بجای شما در شورا ملی بحیث وکیل می نشینم،

**سوم.** شما در فقره سوم نوشته تان چی مقبول مینویسید توجه نمایند به نوشته پر بها تان.

» ۳ - تحول ۲۶ سرطان نه تنها هیچ تحول مثبت در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مردم و کشور بوجود نه آورد بلکه برعکس مردم افغانستان را از تمام دست آوردهای سالها مبارزات اجتماعی و سیاسی محروم ساخت.

**جواب ۳-** شما چقدر ظالمانه و مغرضانه مینوسید ، که به تحول ۲۶ سرطان در وضع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور هیچ تغیر در حیات اقتصادی و اجتماعی مردم افغانستان بوجود نیامد! افسوس به اینگونه تحلیل های عقده ای چپی های سلطنت طلب باید کرد، جناب خالدی گرانقدر شما راستی به این عقیده هستید و یا خود را در کوچه حسن چپ میزنید، اگر واقعاً به این عقیده هستید من بحال شما میلیون بار تاسف میکنم،

برادر گل، پروژه تلویزیون، اعمار پرژه خط آهن، سروی و دیزاین صدها پروژه عام المنفہ احداث سرک حلقوی، مس عینک، کان حاجیگک، ماستر پلان شهر کابل و بخصوص بلند رفتن نرخ افغانی در مقابل اسعار خارجی ووو تمام شان دست آورده های نظام جمهوری بود، اگر نبود این شما بودید که به ملت و مردم افغانستان دروغ گفتید که در پلان هفت ساله این گونه تغیرات به وقوع خواهند پیوست. برادر بیانیه نویس عزیز و گرامی. ای مرد دانا یا عاقلانه بنویس و یا خاموش باش . و از این زیادتیر خود را در انظار مردم کم جلوه ندهید.خوانندگان گرامی ، لطفاً توجه نماید به سوالهای چهارم، پنجم، ششم،هفتم ، هشتم، نهم و دهم.جناب آقای خالدی صاحب وی چنین مینویسید.

**چهارم.** مقام صدارت که در برابر پارلمان مسول بود لغوه شد.

**پنجم.** پارلمان لغو شد.

**ششم،** استقلالیت قوه قضا لغوه شد.

**هفتم.** ازادی مطبوعات لغوه شد.

**هشتم.** به لغوه مقام صدراعظم، پارلمان، لغوه استقلالیت قوه قضایه و لغو ازادی مطبوعات تمام ارگانهای دولت در دست یک نفر تمرکز نمود.

**نهم.** استقلالیت پوهنتونها در انتخاب ریس پوهنتون و روسای پوهنخی ها بر اساس انتخابات ازادانه کدرهای علمی پوهنتونها و پوهنخی ها لغوه شد.

**دهم.** اتحادیه استادان لغو شد، اتحادیه محصلین لغو شد، ازادی اجتماعات لغو شد.

**جواب ۴-** جناب محترم خالدی، به سرنگونی رژیم استراحت طلب و بیکاره دهه دیموکراسی قلابی،

صدارت سلطنتی اتوماتیک لغو میشود به آمدن نظام جمهوری مقام صدارت نه بشکل سلطنتی بلکه بشکل متحرک ان، شخص رهبر تحول ۲۶ سرطان انرا به پیش میبرد، فرق بین صدراعظمان دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی دولت سلطنتی که صدراعظمان انوقت بوتهها پاچا یعنی شاه را میبوسیدند با صدراعظم جمهوری زمین تا آسمان فرق داشت. صدراعظمان شاهی بیکاره ولی صدراعظم دولت جمهوری پرکار و زحمت کش بود، اینست فرق فاحش بین صدراعظمان سلطنتی و جمهوری. جناب آقای خالدی دوست دانشمند محترم! در دوره دهه نام نهاد به اصطلاح دیموکراسی کدام صدراعظم به پارلمان مسول بود کدام پارلمان صدراعظم دوران سلطنت را سلب اعتماد نموده، تقرر و عزل صدراعظمان را شخص اول مملکت یعنی سلطنت انتخاب و انتصاب میکرد، ولی وقتیکه مظاهرات مردم زیاد میشد شاه مجبور میشد که صدراعظم را سبکدوش سازد. نه پارلمان. **جواب ۵-** در تمام جهان وقتیکه یک نظام چی ان نظام شاهی باشد یا جمهوری وقتیکه سرنگون میشود بدون چون و چرا پارلمان ان نظام نیز از بین میرود و لغو میگردد. شاید کدام کشور استثنایی باشد که نظام شان تغیر نموده باشد و پارلمان شان بحال سابق پا برجا باشد. بلی به آمدن نظام جدید جمهوری پارلمان نام نهاد به نام شورا ملی که در انوقت حیثیت ماشین داد و ستدد داشت از بین رفت و باید هم از بین میرفت

**جواب ۶-** کدام استقلالیت قوه قضایه، آیا ریس قوه قضایه از طرف پارلمان انتخاب میشد یا از طریق فرمان سلطنت. شما بزرگوار باید فرق بین انتخاب و انتصاب را داشته باشید. در وقت سلطنت قوه قضایه در کدام موضوع مهم ملی استقلالیت خود را تبارز داده؟ لطفاً بما شریک سازید. **جواب ۷-** خنده اور اینکه شما میگوید به آمدن نظام جمهوری ازادی مطبوعات لغو شد، کدام ازادی مطبوعات در زمان سلطنت، بغیر از چند روز ازادی مطبوعات در دوران صدارت شهید نوراحمدجان اعتمادی، آیا در دوران صدارت داکتر یوسف خان، محمدهاشم میوندوال پردیس سمرقندی، داکتر عبدالظاهر و شهید محمد موسی شفیق ازادی مطبوعات وجود داشت؟ افسوس و میلیون بار به اینگونه ارشادات جناب عالی شما. من چپ من گنگه.

**جواب ۸-** وقتیکه شاه یک کشور ریس قوه اجراییه یعنی صدراعظم را، وزارار را، ریس قوه قضایه را، ریس قوه مقنیه یا ریس هر دو مجالس شورا ملی و مشرانو جرگه را انتصاب نماید اتوماتیک موضوع استقلالیت این سه قوه فوق الذکر از بین میرود. لطفاً در چشمان ما مردم و نسلهای آینده خاک نیاندازید.

**جواب ۹-** آیا در زمان سلطنت انتخابات ریس پوهنتون کدام درد را دوا کرده است، اگر کرده برایم گفته میتوانید کدام درد، آیا فراموش کردید که در زمان سلطنت پوهنتونها به مراکز زور آزمایی احزاب چپ و راست گشته بود، آیا وضع تدریسی و علمی پوهنتونهای دوران دهه نام نهاد دیموکراسی قلابی از زمان جمهوریت داودخان کرده بهتر تر و خوبتر بود؟ نخیر عزیز برادر، در این مورد شما باز هم مرتکب اشبهای مکرر شده اید.

**جواب ۱۰-** آیا اتحادیه استادان و محصلان انوقت کدام رول مثبت در هرج و مرج پوهنتونها بنفع تدریسی محصلین پوهنتون بازی کرده اگر کرده باشد کدام کار بهبودی در سطح تعلیمی پوهنتونها در انسجام نظم و دسپلین پوهنتونها و یا خود آنها باعث خرابی اوضاع تدریسی پوهنتونها گردیدند، جناب عالی از برکت ان اتحادیه های بی مسولیت بودند که مراکز علم و دانش آموز را به مراکز زور آزمایی تبدیل کردند. جناب نور خالدی صاحب، هیچ تصور نمیگردد که شما به این اندازه یک شخص سطحی نیگر و عقیدی درباری باشید. شما محترم در فقره یازدهم مینویسید.

**۱۱- کودتای ۲۶ سرطان شیرازه تاریخی نظام دولت افغانستان را برهم ریخت و به تمام عناصر مخالف این نظام از یک طرف فرصت سرنگونی آنرا میسر ساخت و از جانب دیگر راههای پیروزی و امید پیروزی را فراهم ساخت.**

**جواب ۱۱-** آقای خالدی شما از من بیچاره کرده خوبتر و بهتر میدانید که رژیم سلطنتی یک رژیم موروئی و خلاف اصول مقدس اسلامی است، اما برعکس نظام جمهوری برابر به اصول و ارشادات مبارک اسلامی و دیموکراسی است، در نظام جمهوریت هر کس که لیاقت خود را تبارز دهد میتواند رهبری کشور را بدست گیرد.

آقای نور خالدی، این مرحوم سردار هاشم خان و شهید سردار محمد داودخان بودند که عمر نظام سلطنتی را در دوران صدارت خود طولانی تر ساخت. احياناً اگر این دو شخصیت فداکار و پرکار نمی بودند ریشه های سلطنت را شصت هفتاد سال قبل مردم از بیخ و بنیاد میکشیدند ، قلع قم میکرد. و نظام سلطنتی را به گودال تاریخ می سپردند. شما در پرگراف دوازدهم چی عجیب مینویسید.

**۱۲- رژیم کودتا به سرکوب خونین مخالفین بالقوه و بالفعل دست زد که تعداد زیاد افراد قربانی این سرکوب شدند.**

**جواب ۱۲-** من میلیون بار افسوس میکنم به اینگونه استدلال های ناعقبت اندیشانه تعلیم یافته های کشور خودکه مثل شما فکر کنند.

جناب آقای خالدی، در طول دوره چهار سال و نه ماه ریاست جمهوری شهید داودخان بغیر از شش نفر متهمین قضیه کودتا محمد هاشم میوندوال، و شش نفر اخوانی های که در حالت جنگ همراهی قوه امنیتی و نظامی و یا توسط مردم عوام در اغتشاشات اخوانیها در لغمان سرخ رود ، پنجشیر و بدخشان که به دستور مستقیم ای ایس ای پاکستان راه اندازی شده بودند و ان اغتشاشیون توسط قوه امنیتی و مردم عوام ناکام گردید و بعضی افراد عامل ان شورش دستگیر و به پنجه قانون سپرده شدند ، دولت جمهوری یک فرد آنها را بجرم اغتشاش علیه حکومت انوقت اعدام نکردند ، ولی وقتیکه آنها در محبس دهمزنگ که میخواستند از محبس فرار نمایند به امر محکمه امنیت ملی اعدام نمودند ، مولوی حبیب الرحمان که در ولایت لغمان همراهی شب نامه های که ان شب نامها از طرف سازمان جهنمی ای ایس ای نظر به مصاحبه جنرال بابر پاکستانی که در یوتوپ موجود است بالفعل گرفتار و بعد از حکم محکمه اعدام گردید، در سال ۱۳۵۵ یا ۱۳۵۶ صوفی غلام حضرت کلکانی با برادرش که وی بر ضد دولت جمهوری در علاقرداری کلکان که پسر مرحوم ملک بابا کنزی بنام گل محمد علاقدار انجا بود اغتشاش نموده بود ، صوفی غلام حضرت و برادر وی یک عسکر پولیس علاقرداری کلکان را بشهادت رسانده بود، آنها توسط محکمه حرایم اختصاصی پولیس در محبس دهمزنگ اعدام شدند، اینکه شما بزرگوار میگوید که تعداد زیاد افراد قربانی این سرکوب شدند بزرگ منشی شما است. مبالغه هم حد و اندازه دارد.

سوال سیزدهم تان را در جواب دوازدهم ارایه نمودم.

**۱۴- در نتیجه این کودتا رهبران گروههای افراطی راست مذهبی مانند ربانی، گلبدین و مسعود از کشور فرار نموده به آغوش سازمان استخبارات نظامی پاکستان پناه بردند که نتایج فاجعه بار آن تا امروز ادامه دارد.**

**جواب ۱۴-** جناب آقای نور احمد خالدی. میدانم که معلومات شما در مورد فرار گروپ برادران اخوانی تان بسیار سطحی است، شما شنده اید که علی آباد شهر است.

برادر محترم. فرار گروپ جوانان اخوانی پوهنتون کابل و پل تخنیک در قدم اول الزامیت قتل سیدال که مربوط حزب شعله جاوید بود، بالای آنها بود ، آنها بخاطر ارتکاب جرم قتل سیدال در دوران صدارت موسی شفیق گرفتار شده بودند آنها بعد از یک مدت کوتاه از حبس رهایی یافته بودند و دوباره به دروس خود در موسسات تعلیمی حضور رساندند، این گروپ جوانان مسلمان پیش از پیروزی تحول ۲۶ سرطان که یک عضوه این جوانان مسلمان محصل پل تخنیک کابل بود وی در ضمن ملا مسجد

گردنه باغ بالا نزدیک سینما اریوب بود یکی از صاحبمنصبان دوران سلطنت که وی در انجا زندگی میکرد کدام جنجال انهم بالای اذان وقت صبح داشتند، ان صاحب منصب به این محصل ملا بچه گفته بود که از طرف صبح وقتیکه اذان میدهد لودسپیکر تانرا خاموش سازید که من و اولادهای من از دست صدا بلند لودسپیکر خواب نداریم. ان ملا بچه محصل به گفته های ان صاحب منصب وقع نگذاشته جنگ در بین انها روح میدهد مردم ان منطقه در بین میانجگری میکند، بعد از جنگ انها روز دیگر یک عده محصلین اخوانی پوهنتون و پولی تخنیک بکمک این محصل ملا میشتابد و این صاحب منصب را چنان لت و کوب میکند که اه در جان شان نمی ماند، کارهای خدایی بود، در شب کودتا ۲۶ سرطان این صاحب منصب نوکریوال قطعه خود است چون در انشب اکثریت قطعات اردو بدون کدام عکس العمل تسلیم کودتا چیان میشود این افسر اردو هم در انشب قطعه خود را تسلیم نموده و داخل و خود را در گروپ کودتاچیان شامل و تنظیم نموده . چون در شب تحول ۲۶ سرطان وی قطعه مربوطه خود را به کودتاچیان بدون درد سر تسلیم نموده بود وی بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان یک رتبه ترفیع کرد. چون این افسر اردو دوست نزدیک پاچا سرباز که در انوقت بحیث قوماندان امنیه شهر کابل توظیف شده خود را شامل میسازد ، بعد از چند روز این افسر همراهی موثرهای نظامی کودتاچیان پشت این محصل که بعد از وقت وی ملا مسجد گردنه باغ بالا بود میاید تا انرا لت و کوب و یا محبوس سازد و انتقام خود را که یک وقت محصلین پل تخنیک و پوهنتون کابل این صاحب منصب را لت و کوب نموه بود بیگیرد ، وقتیکه این افسر عقب وی به مسجد میاید در اینوقت ان محصل یا ان ملا در مسجد نیست در پل تخنیک درس میخواند، یکی از باشندگان ان منطقه به عجله خود را به این محصل میرساند و برایش میگوید که پولیس در پی تعقیب تان، بمجرد که این محصل از این موضوع واقف میگردد وی در ان واحد بتمام گروپ اخوانی این پیغام را در پولتخنیک و پوهنتون میرساند. در این وقت بعضی افراد امنیتی پاچا سرباز قوماندان امنیه ولایت کابل به همراهی این افسر داخل محوطه پولتخنیک میشود انها در انجا ان محصل را پیدا کرده نمی تواند یک دو نفر دیگری که ان صاحب منصب در جنگ مشت و یخن شناسایی نموده بود همراهی خود می برد بعد از ان پولیس به لیلیه پوهنتون میرود وقتیکه یک عده محصلین از آمدن پولیس واقف میشود یگان تا شان از کلکین ها لیلیه پوهنتون خود را انداخته فرار را به فرار ترجع داده و بعضی شان در همان لیلیهای پوهنتون مخفی نموده و فردا راه گریز را اختیار نموده که در این جمله افراد اقایان نیز شامل بودند، ان افرادیکه توسط پاچا سرباز گرفتار شده بودند بعد از یک مدت کوتا رهای یافتند و به دروس خود رفتند و یگان تا شان راه فرار را اختیار نمود.

جناب آقای نور خالدی: این بود معلومات بنده در باره فراریان نهضت جوانان مسلمان اگر شما از معلومات من کرده زیادت در دست دارید لطفاً بنویسید تا ما هم از ان مستفید گردیم. همچنان از برادران و ذوات محترم که در ان روزهای اول جمهوریت در جریان بودند صحت و عدم صحت گفتههای بنده را رد یا تصدیق نماید. چرا که اینگونه موضوعات جز تاریخ میگردد.

**۱۴ ب- با استفاده از فرصت گروههای کمونیستی پرچم و خلق خود را جانشین منطقی رژیم کودتا دانسته مجدداً متحد شدند و برای بدست گرفتن قدرت آمادگی گرفتند و در نتیجه با اولین فرصت رژیم را ساقط کردند.**

جواب ۱۴ ب - چی یک سوال طفلانه صنف اول!

بلی آقای خالدی. ما میدانیم حزب خلق و پرچم ننتها بخاطر بدست آوردن قدرت سیاسی با هم ایتلاف کردند بلکه یک عده سلطنت طلبان نیز به حزب خلق و پرچم بخاطر بر انداختن حکومت کاری جمهوری داودخان دستهای خود را به مخالفین راست و چپ شهید داودخان یکجا ساختند و بر ضد رژیم مترقی شهید داودخان تبلیغات دروغین را به راه انداخت. که یکی از ان جمله افراد شخص شما هستید. شما در پراگراف ۱۵ چی ظالمانه مینویسید.

۱۵ - اگر تمام دست‌آورد دوران صدارت داوود خان تطبیق پلانهای پنجساله اول و دوم بود در دوره دموکراسی بعد از او نیز پلانهای پنجساله سوم و چهارم طرح و تطبیق شدند.

**جواب ۱۵ -** آقای خالدی هیچ تصور کرده نمی توانم که شما بحیث یک کارمند وزارت پلان چطور اینگونه قضاوت کوچک و ابتدایی میکنید. آقای خالدی محترم. بلی ما میدانیم که بعد از صدارت مرحوم محمد داودخان پلان پنج ساله سوم و چارم طرح ریزی شد اما سوال ما اینست که کدام است دست آورد ان پلانها، مطلب شما اگر طرح ریزی بالای صفحه کاعذ بوده باشد در ان مورد ما کدام اعتراض نداریم ولی اگر هدف شما کدام دست آوردی باشد لطفاً بگویید تا ما هم بدانیم ، تاجایکه ما میدانم پلان پنج ساله سوم و چارم به کسر بودیجه شش میلیارد افغانی به معرض اجرا قرار نگرفت. پولهای ان پلان در راه غیر مثمر حیف و میل شدند. به آمدن نظام جمهوری تنها ملیاردها افغانی که بنام مصارف سلطنتی. مارشال شاولی خان و تمام خاندان سلطنتی تخصص داده شده بود ان پول دوباره داخل خزانه دولت گردید و در راه خیر و رفاه مردم ستمدیده به مصرف رسید، به چور و چپاول بانکها خاتمه داده شد، پول قرضه های دولتی از افراد قرضدار در یک مدت کوتاه حصول شد.

محترم خالدی صاحب . به سوال شانزدهم تان بسیار خندیدم شما چی قسم معصومانه و طفلانه عقده درونی تانرا مرفوع ساختید. شما مینویسید.

**۱۶- رژیم کودتا ناگزیر بدست همان کودتاچیان اولی و رفقای آنها ساقط شد.**

جواب ۱۶- در این هیچ جای شک و شبهه نیست که رژیم جمهوری جوان از طرف یک عده همان کودتاچیان ۲۶ سرطان سرنگون شد، اگر در انوقت بعضی از اعضای تحول ۲۶ سرطان از راه و روش سردار شهید عدول نمیکردند مطمئن ام که فجایع بعدی که منجر به قتل و شهادت ان بزرگوار که بخاطر وطن از جان اولاد و دوستان خود گذشت ، هیچ بوقوع نمی پیوستند. ولی این را هم فراموش نکنید اگر مقام سلطنت ریشه های خود را قلع و کم نمیکرد، در مقابل بی باکنان به اعضای پرکار و مردم دوست خود اتکا مینمود هیچ وقت تحول ۲۶ سرطان و جریانهای مابعد به وقوع نمی پیوستند.

پایان